

# تحلیل صلوات در عرفان و تصوف اسلامی

محمد قاسمی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی

و دبیر زبان و ادبیات فارسی مرکز استعداد‌های درخشان علامه

طباطبایی شهرستان بناب

## چکیده

ولایت از اصول اساسی عرفان و تصوف در همه دوره‌ها و در میان همه جریان‌های متصوفه است. ولایت، چیرگی و امامت مراد بر نفس خود و مرید در همه زمینه‌هاست. اولیاءالله در تربیت و هدایت مرید همچون صافی، آلودگی‌های وجودی او را پاک می‌کنند. مطابق اصل ولایت، مرید بی‌چون و چرا پیرو شیخ و مراد خود است؛ زیرا «که سالک بی‌خبر نبود ز راه و رسم منزل‌ها». در عرفان و تصوف، انسان کامل صاحب ولایت و نگین انگشتر عالم آفرینش است، ولی خدا با تزکیه نفس و پالایش روح خویشتن، صاحب کرامات می‌شود. در دوره‌های انحراف و ابتدال تصوف، عده‌ای از عرفای گندم‌نمای جوفروش به بحث کرامات دامن زدند و خود نیز به کرامات‌سازی پرداختند.

**کلیدواژه‌ها:** عرفان، ولایت، مراد، انسان کامل، کرامت

## مقدمه

مسئله ولایت یکی از مهم‌ترین عناصر تصوف اسلامی و از اصول بنیادین آن است. بر همین اساس در اسرارالتوحید آمده است: «مدار تصوف و طریقت بر پیر است.» (منور، ۱۳۸۱: ۴۶) معنای واژگانی ولایت، نزدیکی (نسفی، ۱۳۷۱: ۱/۱۳۱۶) و محبت (هجویری،

۱۳۷۵: ۲۶۶) و ولایت نیز به معنی امارت (همان: ۲۶۶)، سلطنت، تولیت و امامت است. همچنان که مؤلف «مجمع‌البیان» آورده است، ولایت و ولایت مانند و کالت و وکالت، وصایت و وصایت به جای یکدیگر به کار می‌روند و به معنی واحد گرفته می‌شوند (طبرسی، ۱۴۰۶: ۴۷۰/۶). در معنای اصطلاحی نیز «ولایت آن باشد که او (ولی) را ولایت باشد بر نفس خویشتن، و بر صفات خویشتن، و بر کلام خویشتن، و سکوت خویشتن، و قهر در محل قهر، و لطف در محل لطف» (شمس تبریزی، ۱۳۷۷: ۸۶-۸۵).

نویسنده این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای - توصیفی، اصل ولایت در عرفان و تصوف اسلامی و مسائل مرتبط با آن را به اجمال بررسی کرده و تا حد امکان کوشیده است که اطلاعات حاصل را به زبانی ساده و خلاصه بیان کند.

## ولایت و انواع آن

بحث درباره عرفان و تصوف، بدون تبیین اصل ولایت راه به جایی نخواهد برد. صوفیان نخستین چون بایزید بسطامی و ابراهیم ادهم از ولایت سخن گفته‌اند اما حکیم ترمذی آن را به صورت نظریه‌ای نسبتاً کامل و منسجم درآورد. (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۱۰).

عارفان و صوفیان در ولایت به آیه مشهور «انما ولیکم الله و رسوله والذین امنوا الذین یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة و هم راکعون» استناد می‌کنند. طبق این آیه، ولایت الهی منحصر در سه مرتبه است:

الف) حضرت حق تعالی

ب) پیامبر اسلام

ج) مؤمنین (اولیاءالله) که در کتب صوفیه تعداد آن‌ها به صورت‌های متفاوتی ذکر شده است. هجویری تعداد آن‌ها را به شکل هرمی این گونه ذکر می‌کند: «از ایشان چهار هزارند که مکتومانند و مر یکدیگر را نشناسند جمال حال خود هم ندانند و اندر کل احوال از خود و از خلق مستورند... اما آنچه اهل حل و عقدند و سرهنگان درگاه حق جل جلاله سیصدند که ایشان را اخیر خوانند و چهل دیگر که ایشان را ابدال خوانند و هفت دیگر که مرایشان را ابرار خوانند و چهارند که مرایشان را اوتاد خوانند و سه دیگرند که مرایشان را نقیب خوانند و یکی که او را قطب خوانند و غوث خوانند. و این جمله مر یکدیگر را بشناسند و اندر امور به اذن یکدیگر محتاج باشند و بدین، اخبار مروی ناطق است و اهل سنت بر صحت این مجتمع» (هجویری، ۱۳۷۵: ۲۶۹).

ادامه مطلب در وبگاه